



دکتر فریدون سیامک‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، هم‌اشار می‌تواند تداومی کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

راجع به پرل ویتامین E سؤال داشت و اثرهای آن را می‌خواست بداند.

برایش شرح دادم که ویتامین E معمولاً در بیماری کبد چرب هم مصرف می‌شود. هم آنتی‌اکسیدان است، هم از ویتامین‌های محلول در چربی است و در کبد هیدرولیز می‌شود. بلافاصله هم سؤال کردم که این اطلاعات را برای چه می‌خواهد؟

پاسخ داد: چون دکتر خودم نبود و یک دکتر دیگر این دارو را برایم تجویز کرده است، می‌خواستم مطمئن شوم که درست تجویز شده است! بسیاری از بیماران مشاوره با داروسازان برایشان حجت است و باعث آرامش خیالشان می‌شود.

یادداشت ۲

دستش به دهانش بود و از درد دندان و لثه رنج می‌برد. توضیح داد که کمی لثه‌ام ورم دارد و کمی به سفیدی می‌زند. آنتی‌بیوتیک می‌خواست. برای ایشان شرح دادم که در این مورد باید مخلوط دو آنتی‌بیوتیک مصرف شود. بیست عدد کپسول آموکسی‌سیلین ۵۰۰ میلی‌گرمی و بیست عدد قرص مترونیدازول ۲۵۰ میلی‌گرمی به ایشان دادم. اگرچه اکراه داشت که دو آنتی‌بیوتیک مصرف کند، ولی برایش شرح دادم که علت مخلوط چیست. توصیه هم کردم که حتماً تمام آنتی‌بیوتیک‌ها را مصرف کند تا عفونت کاملاً برطرف شود.

ضمناً وقتی راهی‌اش می‌کردم، به ایشان

تذکر دادم که بعد از پایان آنتی‌بیوتیک‌ها، حتماً به دندان‌پزشک مراجعه کند تا دندان‌ش اساسی معالجه شود.

یادداشت ۳

وقتی در داروخانه حضور داری، باید با همه فرهنگ‌های بیماران که به داروخانه مراجعه می‌کنند، یا کسانی که برای تهیه داروی بیمارشان می‌آیند، آشنا باشی.

جوانی حدوداً ۳۰ ساله به داروخانه مراجعه کرد و وقتی سرم‌های نسخه‌اش را دادیم، سؤال کرد: شیلنگ آن‌ها را هم داده‌اید؟ تا آمدم بگویم که این سرم‌ها آن قدر حجم ندارند که احتیاج به شیلنگ داشته باشند، دیدم تکنیسین داروخانه، سه عدد ست سرم را داخل سید انداخت. در حالی که خنده‌ای بر لبانم نقش بسته بود، متوجه شدم که بعضی‌ها به ست سرم می‌گویند: شیلنگ!

یادداشت ۴

خانمی حدوداً ۷۵ ساله بود و از مراجعه‌کنندگان همیشگی داروخانه. چادری مشکی به سر داشت و تقاضای چند قلم دارویی را داشت که در نسخه‌اش بود. داروهایش را آماده کردیم و تحویل دادیم. دست آخر برای پادردش اظهار داشت که یک عدد پماد «اسکلتی» می‌خواهد!

مقصودش پماد مسکن دردهای عضلانی «دپی» بود که عکس اسکت انسان روی آن است. ظاهراً هر کس برای داروهایش، اسم مخصوص خودش را انتخاب کرده و داروخانه هم باید خودش را با

فرهنگ خاص مردم تطبیق دهد!

بودن آن خبر داشت!

یادداشت ۵

قرص دیکلوفناک ۱۰۰ میلی‌گرمی آهسته رهش به اسامی تجاری در بازار دارویی ایران عرضه می‌شود. اولین بار به اسم «آلفن ایکس» وارد بازار شد.

مراجعه‌کنندگان معمولاً سراغ این برند را می‌گیرند و با اکراه از دیگر برندها استقبال می‌کنند. خانمی حدوداً ۶۵ ساله بود و تقاضای قرص «آلفن ایکس» داشت. تکنیسین داروخانه، برند ژنریک کارخانه دیگری را به ایشان داد. توضیح هم داد که مسأله چیست! مراجعه‌کننده با وجود این که مدت‌ها بود که این دارو را مصرف می‌کرد، نمی‌دانست که چه دارویی است، فقط از مسکن

یادداشت ۶

مرد میان‌سالی نسخه به‌دست وارد داروخانه شد. دفترچه را کمی ورق زد و به نسخه مربوطه که رسید، قبل از هر چیز سؤال کرد: آقای دکتر! قیمتش چقدر می‌شود؟

من هم به شوخی گفتم: زیر صد هزار تومان! ایشان گفت: پس بدهید.

نسخه‌اش در نهایت بیست هزار تومان شد. یک قلم از داروهای نسخه در تعهد بیمه نبود. این روزها مشکلات اقتصادی طوری شده که از این‌گونه سؤال‌ها در داروخانه زیاد وجود دارد. خیلی وقت‌ها هم به‌خاطر بالا بودن قیمت داروهای نسخه، بیمار از گرفتن دارو صرف‌نظر می‌کند و می‌رود.

